صیام

تسبیحی، محمد حسین

امیر المؤمنین علی-علیه السلام-گفت:اگر الله خواستی که امت احمد را عذاب کند،ماه رمضان به ایشان ندادی،و نه سورهء«قل هو الله احد».خداوندان‏ معرفت را اینجا رمزی دیگر است گفتند:رمضان از آن گفتند که رب العزة در انی‏ ماه دلهای عارفان از غیر خود بشوید،پس به مهر خود بسوزد،گه در آتش دارد گه‏ در آب،گه تشنه و گه غرقاب.نه غرقه را سیراب و نه تشنه را خواب و زبان حال ایشان‏ می‏گوید:

گر بسوزد گو بسوزد،ور نوازد گونواز عشق آن به کومیان آب و آتش در بود تابدان اول بسوزد و پس بدین عزقه شود چون ز خود بی‏خود شود معشوقش اندر بر شود

اینست که پیر طریقت گفت:(حین سئل عن الجمعیة-فقال:-ان یقع فی قبضة الحق‏ و من وقع فی قبضة الحق،احترق فیه و الحق خلفه».

در عشق تو بی‏سریم سرگشته شده‏ وز دست امید ما سر رشته شده! مانند یکی شمع به هنگام صبوح‏ بگداخته و سوخته و کشته شده!

«احل لکم لبلة الصیام»هم پیغام است و هم تفضیل و هم تخفیف پیغام راست،و تفضیل نیکو و تخفیف به‏سزا،پیغام خداوند بر همگان و تفضیل روزهء ماه‏ رمضان بر دیگر اعمال بندگان،و تخفیف ایشان در اباحت عشرت باهم جفتان‏ ؟؟؟و شب طعام را بود نه روزه را لکن چون از او شب نیت کند در عداد روزه‏داران است،و ثواب روزه از وقت نیت او را در دیوان است،به این وجه روزه بر همه عبادات فضل دارد که در همه عبادات تا نیت در عمل نه پیوندی،ثواب عمل حاصل نشود،و در روزه چون شب درآمد و نیت در دل‏ آمد،عقد روزه بسته شد،هرچند که تا وقت بام طعام و شراب خورد و عشرت کند او را از جمله روزه‏داران شمرند و ثواب وی هیچ چیز بنکاهند.

کریما!خداوندا!مهربانا!که بنده طعام و شراب می‏خورد،و با اهل‏ خود عشرت می‏کند،و او را در آن ثواب روزه‏داران می‏دهد؛از این عجیب‏تر که او را طعام خوردن فرماید در وقت سحر،آنکه بنده را از آن سحور خوردن تعبیه‏های لطیف از غیب بیرون آرد،و رقم دوستی کشد.آری مقصود نه نان خوردن است،مقصود آنست تا بنده در کمند دوستی افتد،پس طعام‏ خوردن بهانه است و سحور دام دوستی را دانه است.این همچنان است که‏ موسی را«لیلة النار»آتش نمودند،آتش بهانه بود و کمند لطف در میان، آن تعبیه بود،ابر سیاه برآمد؛و شب تاریک درآمد؛و باد عاصف در جستن‏ آمد؛بانگ گرگ برخاست و گله در رفتن آمد؛و اهل موسی در نالیدن آمد؛ جهان همه تاریک شده و ظلمت فروگرفته؛موسی بی‏طاقت شده و از جان خویش‏ به فریاد آمده که:

وقت است کنون اگر بخواهی بخشود چون کشته شوم،دریغ کی دارد سود

موسی آتشزنه برداشت،سنگ زد بر آن و آتش ندید،آنگه از دور آتشی بدید و آن همه آشوب و شور بهانه بود و مقصود در میان آن تعبیه بود. همچنین بنده را در میانهء شب به طعام خوردن فرماید؛بزبان شرع می‏گوید: «تسحر وافان فی السحور برکة»،و گوید.«صلوات اللّه علی المتسحرین»و گوید: «الهم باکر لا متی فی سحورهم؛ما انعم اللّه علی عبد من نعمة الا و هو سائله عنها یوم القیامة الا السحور،استعینوا باکلة السحر علی صیام النهار».

این همه ترغیب و تحریض که شرع مصطفی(ص)بدان ناطق است‏ گفتی:بنده من!این سحور خوردن دام وصلت است که من نمی‏دادم،تا تو برخیزی؛و در دام دوستی ما افتی!فرشتگان را گوئیم:درنگرید؛بنده من از شب‏خیزان است؛بسم اللّه بر زبان تو برانم؛گویم:بنویسید که بندهء من از ذاکران است؛عطسه‏ئی بر تو گمارم تا گوئی:الحمد للّه.گویم:ببینید بنده من از شاکران است،سوزی در دلت پدید آرم تا از سر آن سوزگوئی: آه!گویم:بنده من به مهر ما سوزان است.بنده می‏سوزد و می‏زارد،و خدای او را می‏نوازد؛و الله در دلش«نور معرفت»می‏افزاید:و حقیقت کرم‏ به زبان لطف با بنده می‏گوید:

من آن توام،تو آن من باش ز دل‏ بستاخی کن چرا نشینی تو خجل! گر جرم همه خلق کنم پاک بحل‏ در مملکتم چه کم شود؟مشتی گل!

عین القضاة میانجی همدانی عارف روشن‏بین و فیلسوف روزگار خود (492-525 هجری)صاحب زبدة الحقایق و شکوی الغریب و تمهیدات‏ بحثی لطف و عرفانی درباره«صوم»دارد.وی در تمهیدات(با مقدمه و تصحیح‏ و تحشیه و تعلیق آقای دکتر عقیف عسیران-چاپ دانشگاه-در آنجا که‏ بحث ازارگان پنجگانه اسلام می‏کند-گفته است:«رکن چهارم»:ای‏ عزیز«سوم»است؛و صوم در شرع عبارت است از امساک طعام و شراب که«روزه‏ قالب»است.اما سوم در عالم حقیقت،عبارت است از خوردن طعام و شراب؛ کدام طعام؟طعام«أبیت عند ربی».کدام شراب؟شراب«و کلم اللّه موسی تکلیما». این را«صوم معنوی»خوانند.«روزهء جان»باشد؛این«صوم خدا»باشد که: «الصوم الی».چرا؟زیرا که در این«صوم»جز خدا نباشد که:«و انا اجزی‏ به»همین معنی دارد.چون این«صوم خدائی»باشد؛جزای«این صوم»جز خدا نباشد که:«و انا أجزی به یعنی أنا الجزاء».